

**Developing and Validating a Model of Foreign Relations between
the Islamic Republic of Iran and the Azerbaijan Republic:
Extraction of Risk, Critical, Strategic and Regulatory Variables**

Mehrdad Jajani

Ph. D. Candidate in International Relations, Tehran Central Branch,
Islamic Azad University

Ardeshir Sanaei¹

Assistant Professor, International Relations Department, Tehran
Central Branch, Islamic Azad University,

Kabak Khabiri

Assistant Professor, International Relations Department, Tehran
Central Branch, Islamic Azad University,

(Date received: 24 June 2021- Date approved: 8 February 2020)

Abstract

Introduction: After the collapse of the Soviet Union, the South Caucasus became a battleground between regional powers and superpowers due to its rich energy resources, transit geopolitics, proximity to the Caspian Sea, and economic opportunities. This strategic importance for Iran was greater than the fact that the region affects Iran's regional security and provides many economic opportunities for the country that can help lift economic sanctions. Foreign relations between Iran and the Republic of Azerbaijan are more critical between these countries. Research on the relationship between countries suffers from methodological gaps and shortcomings. Thus, this study attempts to cover these weaknesses and develop and validate a model of relationships between the countries.

Research Question: To achieve the objectives of the research, the following research questions have been developed: What are the main factors and variables of the structure of foreign relations between Iran and the Republic of Azerbaijan? What is the interaction and behavior of these variables in the system of bilateral relations and what is their nature?

¹ E-mail: ardeshir_sanaie@yahoo.com(Corresponding author)

Research Hypothesis: According to the research questions and objectives, the following hypotheses are proposed:

1. The developed model of Iran-Azerbaijan relations is a valid model that corresponds to environmental realities.
2. The validated model shows an acceptable fit index in SPSS.
3. The extracted variables can predict the future of foreign relations between the countries.

Methodology (and theoretical framework if available):

This study uses a multi-method, multi-step design that combines structural equation modeling (content analysis, exploratory factor analysis, and confirmatory factor analysis) in SPSS and interaction analysis in Mic Mac. In the first phase, a content analysis was carried out in which literature review, documentary research and semi-structured interviews with experts resulted in the extraction of 33 variables. Then confirmatory factor analysis was conducted and based on Eigen Value and Factor loading, 20 variables under five different factors were extracted and confirmed. In the second phase, a crossed impact analysis was done with experts in MicMac software according to which the behavior and nature of variables were identified and reported.

The theoretical framework: The theoretical framework that guided the entire study from data collection to data analysis was the regional integrated security theory proposed and modified by Buzan and Waver (2003) Which is in stark contrast to traditional approaches in security studies and foreign relations because it has shifted attention from the global focus to the regional level. It has four main dimensions and covers the issues of border, polarity, anarchist structure, and social construction.

Results and discussion: The data showed that the valid model of foreign relations between countries has five major dimensions that include economy, survival and stability, hegemony, legal and political, and socio-cultural dimensions with twenty different variables at least. Cross-impact analysis where the identified variables are divided into impact variables (critical and environmental variables), two-dimensional variables (risk and target variables), dependent variables, and independent variables (exceptional and secondary-leverage variables).

Conclusion: It was concluded that structural equation modeling could provide a robust and validated model of foreign relationships between Iran and Azerbaijan and explain these relations' direction and intensity in different dimensions. It was also concluded that the constructed

model shows indicators of a good fit with the geopolitical realities of the South Caucasus. These findings obtained in the interaction analysis can be used as a valid input for scenario development and forecasting of foreign relations between countries.

Keywords

Azerbaijan, Exploratory Factor Analysis, Iran, Model, MicMac, Validation



ساخت و اعتباربخشی مدل روابط خارجی ایران و جمهوری آذربایجان و استخراج متغیرهای خطرپذیری، بحرانی، راهبردی و تنظیمی

مهرداد جاجانی

دانشجوی دکتری، روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی

اردشیر سنایی*

استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی

کابک خبیری

استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹)

چکیده

هویت جدید ایران پس از انقلاب اسلامی و جمهوری آذربایجان پس از فروپاشی اتحاد شوروی، منجر به کنشگری نوینی از آن‌ها در منطقه شده است که مورد توجه سیاست‌مداران و پژوهشگران بوده است. بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در تبیین روابط دو کشور، تک‌بعدی، خطی، بدون بنیان نظری و مهم‌تر از آن، نارسایی‌های روش‌شناختی دارند. در پاسخ به این پرسش که روابط خارجی دو کشور چه متغیرهایی دارد و ماهیت و شیوه رفتار این متغیرها در نظام روابط دو کشور چگونه است، این نوشتار تلاشی نوآورانه برای ساخت و اعتباربخشی مدل روابط دو کشور با رویکرد تلفیقی است. در گام کیفی مطالعه، به کمک روش سندپژوهی و تحلیل محتوا ۳۳ متغیر مؤثر در روابط دو کشور استخراج شد. در گام کمی، به کمک تحلیل عاملی اکتشافی و نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس، ۲۰ متغیر با بالاترین بار عاملی در پنج مؤلفه بقا، هژمونی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی و اجتماعی فرهنگی کشف شد. برای ساخت نقشه مدل و اعتباربخشی آن نیز از نظر نجبگانی ماتریس ضرایب تحلیل اثر متقاطع در نرم‌افزار میک‌مک استفاده شد. بر اساس آن، متغیرهای تأثیرگذار ورودی (شامل متغیرهای بحرانی و محیطی)، متغیرهای دوجبهی (شامل متغیرهای خطر و هدف)، متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل (شامل متغیرهای جدا و اهرمی دومین)، متغیرهای تنظیمی و متغیرهای راهبردی به همراه نقشه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها را شناسایی و استخراج کردیم. نتایج این پژوهش برای روش‌شناسی پژوهش‌های روابط خارجی، تحلیل و تبیین روابط کنونی کشورها و سناریونویسی و پیش‌بینی آینده روابط کشورها کاربرد دارد.

واژگان اصلی

اعتباربخشی، ایران، تحلیل عاملی اکتشافی، جمهوری آذربایجان، متغیر تنظیمی، مدل روابط، میک‌مک.

مقدمه

حوزه قفقاز جنوبی بعد از سقوط اتحاد شوروی از نظر ژئوپلیتیک اهمیت فزاینده‌ای یافت؛ به گونه‌ای که بسیاری از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بعد از دوران جنگ سرد، سیاست‌های خود در مورد این منطقه را تغییر دادند (Emin and Fatih, 2019:1). دلیل این اهمیت را می‌توان بیشتر در منابع طبیعی این کشورها و نقش موقعیت آن‌ها در حمل‌ونقل کالا، انرژی و ایدئولوژی شرقی غربی دانست (Emin and Fatih, 2019: 1-3). در این میان برخی کشورها به دلیل برتری‌های ژئوپلیتیکی، فرهنگی و راهبردی، بیشتر موفق بودند، ولی برخی موفقیت‌ها نیز در این زمینه مدیون تمایزها رویکردی آن‌ها بوده است. بر اساس دیدگاه گناباد و دیگران (Gonabad and Others, 2017:839) اهمیت این منطقه برای جمهوری اسلامی ایران دوچندان و چندبعدی است، زیرا نه تنها ظرفیت مناسبی برای تأمین انتظارات اقتصادی کشور است، بلکه فرصتی ویژه را برای کاهش هژمونی غرب در منطقه و تعدیل قدرت سیاسی و اقتصادی کشورهای روسیه و ترکیه فراهم می‌سازد. با وجود این، مؤلفه‌های رفتاری ایران در به‌کارگیری رویکرد سیاست خارجی ناشناخته است. برای نمونه، روکا (Rocca, 2017: 544) بر این باور است که جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب، دو هدف درازمدت را در برابر کشورهای حوزه قفقاز جنوبی دنبال کرده است که شامل حفظ وضع موجود، ثبات منطقه‌ای و دور کردن تهدیدها از امنیت ملی خود بوده است. برخی مطالعات در این زمینه نظر متعارض‌تری دارند و بر این باورند که ایران به‌عنوان کشور شیعی به‌دنبال به‌کارگیری رویکرد هژمونیک مذهبی نسبت به منطقه قفقاز است (Paunic, 2016:70-71) و در همان حال نیز برای صدور الگوی حکومت‌داری اسلامی خود گرایش‌های عمیقی دارد (Maloney, 2002:103) که در تقابل با سیاست امنیت محور، محتاطانه و عمل‌گرایانه ایران در منطقه قرار می‌گیرد. کوپپترز (Coppeters, 1996:149) در کتابی جنبه‌های گسترده‌تری از این موضوع را بررسی کرده است و بر این عقیده است که رویکرد امنیتی ایران به منطقه، امنیت‌محور و تلاش برای حفظ وضع موجود است و شاهد مدعای خود را نقش میانجی ایران در بحران ناگورنو-قره‌باغ عنوان می‌کند، زیرا نزدیکی فیزیکی به بحران سخت یک چالش امنیتی مهم برای ایران بوده است. این تعارض‌های نظری نشان می‌دهد که قالب‌های نظری به‌کارگرفته شده در مطالعات پیشین ناقص، بافت‌محور، دارای نقص روش‌شناختی و بیشتر یک‌جانبه بوده است. از دیگر ابعاد مورد غفلت در رویکردهای روابط خارجی ایران در این منطقه، تحلیل آثار امنیتی فرای مرزهای منطقه‌ای بوده است. حوزه قفقاز با وجود گسترش جغرافیایی کوچک، برای ایران به‌منظور تعامل یا تقابل با قدرت‌های فرا منطقه‌ای اهمیت بسزایی دارد. براساس کرنل و دیگران (Cornell and others, 2015:30)، غربی‌ها به‌عنوان مسلط‌ترین قدرت فرامنطقه‌ای، از این اهمیت غافل نبوده‌اند و این منطقه را محل مهمی برای کنش با ایران و دیگر کشورهای منطقه به‌شمار

می‌آورند. اتصال اروپا به منابع عظیم انرژی آسیای مرکزی نیز این اهمیت را دوچندان می‌کند. همچنین تحولات قفقاز، مستقیم بر راهبرد ایران و غرب در منطقه خاورمیانه تأثیر می‌گذارد (Cornell and others, 2015:1). علاوه بر آن، حوزه قفقاز نه تنها برای غرب به عنوان دیواری در مقابل نفوذ روسیه در منطقه و جهان است، بلکه راه نفوذ اسلام‌گرایی و تفکر هژمونیک انقلابی به فراتر از این حوزه را مسدود می‌کند (Cornell and others, 2015:1-2). با وجود اینکه مهم‌ترین عامل برساخت امنیت ایران، تقابل با غربی‌ها است، خلأ ناشی از بررسی نشدن این عامل در مطالعات انجام‌شده بر امنیت و سیاست خارجی ایران و کشورهای حوزه قفقاز، به شدت مشهود است.

از نظر روش‌شناختی نیز نگاهی به ادبیات پژوهش در حوزه امنیت نشان می‌دهد که رویکردهای پژوهشی پیشین در این زمینه بیشتر پیرامون محور نظامی‌گرایی^۱ و استفاده از قدرت نظامی بوده است و مفاهیمی مانند امنیت‌سازی^۲ تنها در ابعاد دوگانه سیاست‌سازی و نظامی‌گرایی محدود شده است (Buzan and others, 1990:13-17). این در شرایطی است که به دلیل تأثیر متغیرهای گوناگون محیطی، محلی، منطقه‌ای و جهانی با ماهیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ترکیب این‌ها، نگاه پایا و محدود نظامی سیاسی، پویایی‌های لازم برای تفسیر شناخته را ندارد. بر همین اساس، کارایی و عمل‌گرایی لازم برای توصیف شرایط جهان را ندارد (Buzan, 1993:1)، از سوی دیگر، نگاه‌های سنتی‌تر دولت‌محور^۳ نیز بسندگی لازم برای تبیین و تفسیر پیچیدگی‌های واقعیت مفهوم امنیت را ندارد (Buzan, 1993: 1). بر همین اساس، پژوهشگران حوزه راهبردهای سیاست خارجی و مطالعات مربوط با آن، به دنبال تدوین قالب کار روزآمد برای تحلیل بوده‌اند. علاوه بر آن، ادبیات پژوهش در مورد روابط منطقه‌ای نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات انجام‌شده، متوجه یک محور (داخلی، سیاسی، نظامی) بوده است که نه تنها تأثیرها در دیگر سطوح و محورها مانند سطوح منطقه‌ای، بین‌المللی، جهانی را نادیده می‌گیرد، بلکه تنها بر یک متغیر خطی و ایزوله، خارج از مفهوم شبکه‌ای سیاست خارجی متمرکز بوده‌اند (Erdag, 2017: 19-23).

افزون بر اهمیت معنادار فهم کنشگری ایران و روابط خارجی آن با کشورهای این حوزه، تدوین یک نگاشت مفهومی مدون از رفتارها، عامل‌ها، ریشه‌ها و مباحث در سیاست خارجی که دربردارنده مؤلفه‌های قدرت و امنیت کشور است و با به‌کارگیری رویکرد علمی بنیادین اعتباربخشیده است، بستر نظری و مفهومی مناسبی را برای کنشگری فعالانه^۴

-
1. Militarism
 2. Securitization
 3. State-Centered
 4. Proactivity

واکنشگری^۱ و پیش‌نگری^۲ برای رسیدن به آینده برتر^۳ در اختیار بازیگران و تحلیلگران سیاست خارجی ایران قرار می‌دهد. یکی از بازیگران قدرتمند و با تأثیرهای فراوان در حوزه قفقاز جنوبی، جمهوری آذربایجان بوده است که به دلیل نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. از این رو، این نوشتار تلاشی است تا با به‌کارگیری یک روش پژوهشی نوآورانه و علمی در حوزه علوم سیاسی، به‌کارگیری نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای و روش‌های کیفی سندپژوهی و تحلیل محتوا، مهم‌ترین مؤلفه‌های ساخت روابط خارجی بین دو کشور را استخراج کند. سپس به کمک روش‌های کمی الگوسازی معادله ساختاری و تحلیل عاملی اکتشافی به کمک نرم‌افزار اسپاس، عوامل مؤثر در ساخت روابط خارجی این دو کشور را استخراج کند و در گام نهایی نیز با به‌کارگیری نظر نخبگانی در ماتریس ضرایب تحلیل اثر متقاطع در نرم‌افزار میک‌مک، یک مدل اعتباربخشی شده، روا و علمی از روابط دو کشور را ارائه دهیم که در آن، متغیرهای خطر، بحرانی، راهبردی و تنظیمی روابط خارجی مشخص شده است. چنین الگویی نه تنها خود یک ابزار تحلیل مناسبی را در اختیار پژوهشگران این حوزه قرار می‌دهد، بلکه از آن می‌توان برای تحلیل روابط کنونی دو کشور و پیش‌بینی سناریوهای احتمالی آینده در روابط خارجی نیز استفاده کرد؛ بنابراین در این نوشتار در پی پاسخ به این دو پرسش هستیم: ۱. متغیرها و مؤلفه‌های اصلی در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران کدام‌اند و چگونه می‌توان آن‌ها را در قالب یک الگو اعتباربخشی کرد؟ ۲. بر همکنش متغیرهای استخراج‌شده در الگوی روابط دو کشور چگونه است؟ این متغیرها چه ماهیت و رفتاری در نظام روابط دو کشور دارند؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی مؤلفه‌های مختلف سیاست خارجی و امنیتی حوزه قفقاز در ارتباط با ایران را بررسی کرده‌اند که در ادامه، بخشی از مهم‌ترین آن‌ها در یک دهه گذشته را به ترتیب زمانی بررسی می‌کنیم:

پیمانی (۲۰۰۰) در پژوهشی به این مهم اشاره کرده است که خلأ قدرت ناشی از فروپاشی اتحاد شوروی به رقابت سه کشور ایران، روسیه و ترکیه برای استیلای بر غرب آسیا و حوزه آسیای مرکزی منجر شده است. براساس نتایج این پژوهش، پیامد رقابت این سه کشور ایجاد سه مجموعه امنیتی متفاوت در منطقه بوده است که مجموعه امنیتی روسیه‌محور، مجموعه امنیتی ایران‌محور و مجموعه امنیتی ترکیه‌محور بوده‌اند. از کاستی‌های این پژوهش این است که تلاشی برای تبیین یا اثبات این مجموعه‌های امنیتی نکرده است و بیشتر فرضیه‌های

1. Reaction
2. Prediction
3. Preferred Future

مطرح شده اثبات نشده باقی مانده‌اند. شوفرین (۲۰۰۱) در پژوهشی با موضوع امنیت دریای خزر، در تحلیلی در فصل پانزدهم کتاب خود، بحران ناگورنو قره‌باغ را بحرانی مهم و با الگوهای امنیتی پیچیده می‌داند که منافع کشورهای زیادی مانند ایران، جمهوری آذربایجان، روسیه، قزاقستان و حتی ترکمنستان را متأثر کرده است. در این پژوهش مهم‌ترین خطر ناشی از بی‌ثباتی در این منطقه، دسترسی آمریکا و غرب به دریای خزر بیان شده است. در این پژوهش امنیت این کشورها از بعد تاریخی بررسی شده است و همراه با ارائه سناریوهای امنیتی کشورهای درگیر در این بحران، امکان خطرهای امنیتی برای این کشورها تبیین شده است. از کاستی‌های این پژوهش، نداشتن چارچوب نظری برای بحث و تحلیل است.

نیکول (۲۰۱۰) با اشاره به اینکه منطقه جنوب قفقاز از زمان اتحاد شوروی مستعد ناآرامی‌های شهری، قومی و ملیتی بوده است، نسبت به امکان پرورش تروریسم ناشی از بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای در این بخش از جهان هشدار داده است که با ایجاد مشکلات امنیتی برای کشورهای همسایه همراه خواهد شد. او ضمن اشاره به رویکرد ناتو غرب از یک‌سو، ایران و روسیه از سوی دیگر و ترکیه به‌عنوان طرف سوم، امنیت منطقه جنوب قفقاز را دارای تضاد منافع گوناگون و پیچیده عنوان کرده است که نه تنها منافع سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشورها را تهدید می‌کند، بلکه امنیت کشورهای منطقه مانند جمهوری آذربایجان و ارمنستان را مورد تأثیر جدی قرار داده است. این پژوهش با تمرکز بر دوره سال‌های ۱۹۹۲ به بعد، امنیت منطقه را از دیدگاه تاریخی بررسی کرده است و بنیان نظری خاصی برای تحلیل ندارد.

ولی‌یف (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای تخصصی‌تر روابط خارجی ایران و جمهوری آذربایجان را از پیچیده‌ترین روابط در منطقه می‌داند که از بیست سال پیش تاکنون دچار تغییرهای اساسی فراوانی شده است. نویسنده تهدیدهای قومیتی و ماهیت غیردینی جامعه جمهوری آذربایجان را دلیل اصلی چالش بین دو کشور بیان کرده است و چشم‌انداز آینده روابط خارجی و امنیتی دو کشور را خنثی و متمایل به منفی برآورد کرده است. در این پژوهش از روش توصیفی صرف استفاده شده است و علاوه بر آن هیچ راهکاری ارائه نشده است. بالا (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی به بررسی مقایسه‌ای سیاست‌های ایران و ترکیه در کشورهای حوزه قفقاز جنوبی به‌ویژه ارمنستان و جمهوری آذربایجان پرداخته است. تقابل محور شرقی غربی، قرار دادن ترکیه در محور غرب و قرار دادن ایران در محور شرق و در تضاد با جمهوری آذربایجان که از حمایت‌های آمریکایی غربی برخوردار است از نکته‌های آشکار این پژوهش است. این پژوهش توصیفی است و بنیان نظری ندارد.

در پژوهش دیگری که بادی‌تحلیلی فرامنطقه‌ای انجام شده است، سلیمان‌اف و دیگران (۲۰۱۴) نقش روابط نامتعارف منطقه‌ای را بر امنیت ایران و جمهوری آذربایجان بررسی کرده‌اند. در این پژوهش همکاری جمهوری آذربایجان شیعه با کشور یهودی اسرائیل را نه تنها

خطر ایدئولوژیک برای ایران عنوان کرده است، بلکه این روابط را خطری برای اقتصاد و امنیت نظامی ایران نیز آورده است. اسماعیل اف (۲۰۱۴) نیز با کارگرفتن رویکرد شناختی-مکانی^۱ دانش نخبگانی حکومت‌داری، قدرت سیاسی و نظامی و امنیت انرژی در جمهوری آذربایجان را بررسی کرده است. او ضمن اشاره به ناتوانی نخبگان سیاسی جمهوری آذربایجان و سیاست‌های خارجی این کشور در حل مشکلات امنیتی، ادعا کرده است که جمهوری آذربایجان برای رسیدن به ثبات امنیتی و اقتصادی، علاوه بر بحران با کشورهای مانند ارمنستان، بانفوذ و تأثیر مخرب کشورهای ایران و روسیه نیز روبه‌رو است. همچنین او راهکار خروج این کشور از بحران را دست‌درازکردن این کشور به سوی غرب می‌داند و مدعی است که این کشور با حمایت غربی می‌تواند به ثبات برسد. داوودی (۲۰۱۶) در پژوهشی به‌مرور روابط دوستانه ایران و جمهوری آذربایجان در طول تاریخ پرداخته است و عنوان کرده است که روابط تاریخی بین این دو کشور براساس قوانین اسلامی، دموکراسی و برادری بوده است و به دلیل اشتراک‌های دینی، فرهنگی و تاریخی، چشم‌انداز روابط دو کشور رو به بهبود خواهد بود.

به‌تازگی نیز کوهی اصفهانی (۲۰۱۹) در کتابی به‌صورت تحلیلی و تاریخی به تبیین سیاست خارجی ایران در برابر حوزه قفقاز در تاریخ و شرایط معاصر پرداخته است. از نقاط قوت این تحلیل، دسته‌بندی سیاست‌های ایران در سطوح مختلف مطالعه است، ولی از نقاط ضعف آن بررسی نکردن مقابله سیاست کشورها با همدیگر بوده است و در پایان غفارلی (Gafarli, 2020:1) در پژوهشی نشان داده است که سیاست و رویکرد ایران نسبت به بحران قره‌باغ تعدیل شده است. به‌گونه‌ای که ایران ضمن حمایت از یکپارچگی سرزمینی جمهوری آذربایجان، به ارمنستان نیز به‌عنوان یک شریک دست‌کم تجاری قدرتمند می‌نگرد و تعامل‌های خود با آن را افزایش داده است. برخلاف پژوهش‌های موجود در ادبیات از جمله پژوهش‌های بررسی‌شده بالا، این پژوهش بنیان نظری معتبری در حوزه علوم سیاسی دارد. همچنین این تحلیل نخستین پژوهشی است که با به‌کارگیری رویکرد نظری و تجربی، تلاش کرده است با ارائه یک الگوی روا، پایا و اعتباربخشی‌شده، کیفیت کنشگری ایران در منطقه قفقاز جنوبی را مشخص کند که نه تنها به ترسیم طرح‌واره جامع امنیتی ایران در این منطقه کمک خواهد کرد، بلکه امکان پیش‌بینی کنش‌های امنیتی دوجانبه و استخراج تغییرهای پویای امنیتی را فراهم خواهد کرد و به جهت نظریه و در عمل خلأها، خطاها و نارسایی‌های پژوهش‌های پیشین را پوشش خواهد داد. برخلاف پژوهش‌های گذشته که بیشتر به‌صورت توصیفی و تحلیلی بوده‌اند و بنیان نظری یا مقیاس بررسی نداشتند، این مطالعه با استفاده از نظریه تخصصی مجموعه

امنیت منطقه‌ای، ورای توصیف و تحلیل گام برمی‌دارد و علاوه بر تبیین ساخت روابط دو کشور، الگوی ترکیبی و عمل‌گرایانه از آن را ارائه داده است.

روش پژوهش

یکی از رایج‌ترین روش‌های مدل‌سازی که در علوم انسانی استفاده شده است، روش مدل‌سازی معادله ساختاری است که در رویکرد خود به گردآوری و تحلیل داده‌ها تلفیقی است که در آن از روش‌های پژوهش کمی و کیفی استفاده شده است (Tabachnick and Fidell, 2003: 3). براساس کرسول (Cresswell, 2014:105)، از روش پژوهش تلفیقی، برای به‌دست‌آوردن تصویری کامل‌تر از ابعاد یک پدیده استفاده می‌شود. مدل‌سازی معادله ساختاری دو گام دارد: گام اول معطوف به یافتن مؤلفه‌ها است که بیشتر به‌صورت تحلیل محتوا یا زمینه‌یابی انجام می‌شود و گام دوم معطوف به اعتباربخشی یافته است که به‌صورت کمی و به کمک تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی در نرم‌افزار اسپاس انجام می‌گیرد. بر این اساس، در گام نخست این پژوهش از روش کیفی سندپژوهی و تحلیل محتوا استفاده شد که به کمک آن مؤلفه‌ها و متغیرهای مؤثر در روابط خارجی دو کشور سرشماری و دسته‌بندی شدند. بدین ترتیب، اسناد، گزارش‌ها و مطالعات علمی درباره موضوع پژوهش در پایگاه‌های استنادی مختلف، در دوره زمانی دو دهه گذشته، بررسی و تحلیل شدند که براساس آن ۳۱ متغیر سیاست خارجی در چهار محور گوناگون کشف شد. در گام دوم پژوهش نیز برای کشف عامل‌ها و اعتباربخشی متغیرهای مؤثر در ساخت روابط دو کشور، از روش کمی «تحلیل عاملی اکتشافی» استفاده شد. در این مرحله، ۳۱ متغیر کشف‌شده به شکل پرسش‌نامه لیکرت^۱ تنظیم شد و در اختیار ۶۳ شرکت‌کننده قرار گرفت تا نظر خود را در مورد تأثیر این متغیرها در ساخت روابط ایران و جمهوری آذربایجان بیان کنند. این افراد به روش نمونه‌برداری غیرتصادفی در دسترس^۲ از میان استادان گرایش‌های مختلف علوم سیاسی (۵ نفر)، دانش‌آموختگان کارشناسی رشته‌های علوم سیاسی (۲۲ نفر) و دانشجویان و دانش‌آموختگان تحصیلات تکمیلی رشته علوم سیاسی (۳۶ نفر) از واحدهای دانشگاه آزاد تهران و قم و یک دانشگاه دولتی در شهر قم، انتخاب شده بودند. براساس تحلیل پرسش‌نامه‌های گردآوری‌شده در نرم‌افزار اسپاس (نسخه ۲۱)، ۲۰ متغیر با بار عاملی^۳ قابل قبول استخراج شد. برای پاسخ‌گویی به پرسش دوم پژوهش نیز که معطوف به شناخت رفتار و ماهیت متغیرهای کشف‌شده و اعتباربخشی شده بود، این داده‌ها به‌صورت جدول ضریب‌های متقاطع در اختیار

1 Likert

2 Non-Random Convenience Sampling

3 Factor Loading

۴ نخبه با رتبه‌های استادیاری و دانشیاری در رشته‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای گرفت. نتایج پاسخ‌های آن‌ها در ماتریس‌های ضرایب تحلیل اثر متقاطع، برای طبقه‌بندی وارد نرم‌افزار میک‌مک شد و مورد تحلیل قرار گرفت. براساس این تحلیل، نقشه‌الگوی موردنظر استخراج شد و متغیرهای خطر، بحرانی، راهبردی و تنظیمی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان مشخص شدند. نتایج و تحلیل آن‌ها در بخش زیر ارائه شده است.

چارچوب نظری پژوهش

همان‌طور که گفتیم، چارچوب نظری پژوهش حاضر برگرفته از نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای است. با گذار از دوران جنگ سرد و پدیدارشدن بازیگران غیرنظامی در فرایند امنیت‌سازی، پیکربندی ساختاری جهان دچار تحولات اساسی شده و از قطب‌های دوگانه و چندگانه جهانی به سوی منطقه‌ای‌سازی و منطقه‌گرایی رفته است به گونه‌ای که در نظام‌های بین‌المللی، پویایی‌های منطقه‌ای تعیین‌کننده ماهیت روابط کشورها است. برای تبیین و تفسیر تعلق یک امنیت به یک مجموعه امنیتی، نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای یک ساختار بنیادین دارد که در قالب چهار مؤلفه، کنش‌ها و واکنش‌های یک بازیگر در مجموعه امنیت منطقه‌ای را تعریف و تحلیل می‌کند که شامل مرزداشتن، قطب‌داشتن، ساختار آنارشیک و ساخت اجتماعی هستند که خطوط مجموعه امنیتی را از هم جدا می‌کند: الف: مرزداشتن^۱: بر اساس دیدگاه بوزان و ویور (Buzan and Waver, 2003:47)، نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای بر مبنای پویایی جدایی بین کنش چند کشور در درون یک بافت ژئوپلیتیکی خاص استوار است که نه تنها مرز تعامل کشورهای درون مجموعه با همدیگر را تعیین می‌کند، بلکه نشان‌دهنده جدایی یک مجموعه امنیت منطقه‌ای از مجموعه یا مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای دیگر است که براساس نزدیکی فیزیکی و آشنایی شکل گرفته است. ب: ساختار آنارشیک^۲: متغیر ساختاری آنارشیک نیز یک مؤلفه اساسی دیگر در ایجاد و تفسیر مجموعه امنیت منطقه‌ای است. یک زیر-نظام منطقه‌ای در درون یک مجموعه امنیت منطقه‌ای نیازمند ثبات است و در صورتی که بیشتر زیر نظام‌های یک مجموعه ثبات نداشته باشند، مجموعه امنیتی زاده نخواهد شد، زیرا چنین مجموعه‌ای به راحتی از سوی قدرت‌های خارج از مجموعه مورد تأثیر قرار می‌گیرد و کارکردهای مجموعه را با شکست روبه‌رو می‌کند. ج: قطب‌داشتن^۳: این مؤلفه معطوف بر توزیع قدرت در درون مجموعه امنیت منطقه‌ای است. براساس نظر بوزان و دیگران (۲۰۰۳) درون مجموعه امنیتی نیازمند نظام‌های دوقطبی، سه‌قطبی یا چندقطبی است که با قطب‌داشتن‌های سطح جهانی متفاوت است.

1 Boundary

2 Anarchic Structure

3 Polarity

بر این اساس، وابستگی متقابل امنیتی کشورها و نگرانی و تهدیدهای امنیتی آن‌ها متمایل به منطقه‌ای شدن خواهد بود، ولی در صورت نفوذ قدرت‌های سطح جهانی، به دلیل توانایی گذار از محدودیت‌های منطقه‌ای و جغرافیایی و ایجاد ساختار آنارشیک، تهدیدهای امنیتی فرامنطقه‌ای خواهد شد و منافع امنیتی محدود به منطقه خواهد ماند. د: ساخت اجتماعی^۱: این مؤلفه عوامل دوستی، رقابت و دشمنی بین زیرمجموعه‌های یک مجموعه امنیت منطقه‌ای را بررسی می‌کند که براساس تراکم تعامل‌های منطقه‌ای شکل می‌گیرد و متأثر از عوامل زمینه‌ای زیادی مانند فرهنگ، دین، زبان و حتی جغرافیا است. برآیند عوامل مؤلفه ساخت اجتماعی بین کشورهای منطقه نشان‌دهنده شخصیت و ویژگی‌های کلی منطقه امنیتی است.

یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به پرسش اول پژوهش که معطوف به کشف متغیرها و مؤلفه‌های اصلی تأثیرگذار در روابط خارجی دو کشور است، در گام نخست که یک مرحله کیفی است، ادبیات پژوهش انجام شده بر روی روابط دو کشور در دو دهه گذشته به روش سندپژوهی مورد مطالعه و به روش تحلیل محتوا، تحلیل شد. نتایج حاصل از این بخش به کشف ۳۱ متغیر اصلی در ۴ بعد گوناگون منجر شد. براساس اصول الگوسازی معادله ساختاری (Pallant, 2020: 290-311) این متغیرها به شکل پرسش‌نامه لیکرت در اختیار شرکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفت. تحلیل عاملی اکتشافی به کمک نرم‌افزار انجام گرفت و ۲۰ متغیر زیر ۵ بعد پژوهش دارای بار عاملی قابل‌پذیرش تشخیص داده شد که در زیر ارائه شده است. نخست برای بررسی امکان انجام تحلیل عاملی اکتشافی با داده‌های حاضر، از آزمون کرویت بارتلت^۲ و مقیاس کفایت نمونه کی ام او^۳ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ ارائه شده است و نشان می‌دهد که پیش‌فرض‌های آزمون رعایت شده است.

جدول ۱: بررسی عاملیت پذیری داده‌ها

۰,۷۱۲	مقیاس کفایت نمونه کی ام او
۸۲۱۱,۳۲	آزمون کرویت بارتلت
۰,۰۰۰	معناداری

Source: (Authors)

براساس نظر پالانت (Pallant, 2020: 290-311) ارزش مقیاس کفایت نمونه بالاتر از ۰,۶ پذیرفتنی است که در جدول ۱ بیشتر از این مقدار و پذیرفتنی است (۰,۷۱۲). ارزش پی نیز در

1 Social Construction

2 Bartlett Test of Sphericity

3 KMO Measure of Sample Adequacy

بهترین حالت معناداری قرار دارد (۰,۰۰۰). این نشان‌دهنده عاملیت پذیری داده‌های جمع‌آوری با پرسش‌نامه است. براساس ارزش ایگن^۱ نیز ۵ مؤلفه اصلی در روابط خارجی ایران و جمهوری آذربایجان کشف شد که روی هم‌رفته نزدیک به ۹۰ درصد واریانس موجود در جدول‌ها را شامل می‌شوند. این مؤلفه‌ها با متغیرهای زیر خود در جدول زیر نشان داده شده‌اند.

جدول ۲: ماتریس مؤلفه‌ها و متغیرها در تحلیل عاملی اکتشافی براساس چرخش وریمکس^۲

مؤلفه‌ها	
اقتصادی	بقا
اجتماعی	سیاسی
بار عاملی متغیر ۷	۰,۷۳۲
بار عاملی متغیر ۹	۰,۹۲۱
بار عاملی متغیر ۱۳	۰,۶۹۳
بار عاملی متغیر ۱۵	۰,۷۶۶
بار عاملی متغیر ۱۹	۰,۹۹۰
بار عاملی متغیر ۱	۰,۹۹۱
بار عاملی متغیر ۱۱	۰,۸۹۱
بار عاملی متغیر ۱۲	۰,۹۶۲
بار عاملی متغیر ۱۸	۰,۶۷۳
بار عاملی متغیر ۳	۰,۹۸۴
بار عاملی متغیر ۴	۰,۹۵۳
بار عاملی متغیر ۶	۰,۸۷۳
بار عاملی متغیر ۸	۰,۸۷۸
بار عاملی متغیر ۲	۰,۸۹۲
بار عاملی متغیر ۵	۰,۹۳۱
بار عاملی متغیر ۱۰	۰,۹۰۱
بار عاملی متغیر ۱۴	۰,۹۲۶
بار عاملی متغیر ۱۶	۰,۷۳۶
بار عاملی متغیر ۱۷	۰,۷۹۶
بار عاملی متغیر ۲۰	۰,۸۲۹

Source: (Authors)

1 Eigen value

2 Varimax Rotation

براساس نتایج به دست آمده در جدول ۲، در ساخت الگوی روابط بین جمهوری آذربایجان، پنج مؤلفه اصلی وجود دارد که ۲۰ متغیر با بار عاملی پذیرفتنی را در زیر خود جای داده‌اند. بر اساس متغیرهای گنجانده شده در پرسش‌نامه، این مؤلفه‌ها و متغیرها عبارت‌اند از:

الف) مؤلفه اقتصادی: بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، مؤلفه اقتصادی پنج متغیر اصلی دارد که عبارت‌اند از ۱. ظرفیت ترانزیتی جمهوری آذربایجان برای ایران (متغیر شماره هفت)، ۲. ظرفیت اقتصاد غیرنفتی جمهوری آذربایجان (متغیر شماره نه)، ۳. ظرفیت جمهوری آذربایجان برای صدور انرژی ایران (متغیر شماره سیزده)، ۴. ظرفیت طرح‌های چندملیتی انرژی و عمران در جمهوری آذربایجان (متغیر شماره پانزده) و ۵. ظرفیت جمهوری آذربایجان برای دور زدن و کاهش تأثیر تحریم‌ها (متغیر شماره نوزده).

ب) مؤلفه بقا و ثبات: بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، مؤلفه بقا و ثبات، چهار متغیر اصلی دارد که عبارت‌اند از ۱. مقابله با نفوذ آمریکا در جمهوری آذربایجان (متغیر شماره یک)، ۲. مقابله با نفوذ اسرائیل (متغیر شماره یازده)، ۳. ثبات صلح و جلوگیری از تروریسم در جنوب قفقاز (متغیر شماره دوازده)، ۴. همکاری نظامی جمهوری آذربایجان با ناتو و اسرائیل (متغیر شماره هجده).

ج) مؤلفه هژمونی: بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، مؤلفه هژمونی، چهار متغیر اصلی دارد که عبارت‌اند از ۱. رقابت با ترکیه (متغیر شماره سه)، ۲. رقابت با روسیه (متغیر شماره چهار)، ۳. صدور مدل حکومت‌داری انقلاب اسلامی ایران (متغیر شماره شش)، ۴. جلوگیری از انزوای پساتحریم (متغیر شماره ۸).

د) مؤلفه سیاسی - حقوقی: بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، مؤلفه سیاسی - حقوقی، سه متغیر اصلی دارد که عبارت‌اند از ۱. رژیم حقوقی دریای خزر (متغیر شماره دو)، ۲. میدان‌های مشترک انرژی نفتی و گازی (متغیر شماره پنج) و ۳. روابط ایران با جمهوری ارمنستان (متغیر شماره ده).

ه) مؤلفه اجتماعی و فرهنگی: بر اساس تحلیل عامل اکتشافی، مؤلفه اجتماعی و فرهنگی، چهار متغیر اصلی دارد که عبارت‌اند از ۱) تحریک جنبش‌های اجتماعی در ایران مانند ترک‌گرایی از سوی جمهوری آذربایجان (متغیر شماره چهارده)، ۲) تمایل جامعه آذربایجان به سمت عرفی‌گرایی و غرب (متغیر شماره شانزده) و ۳) تقویت تشیع و بنیادگرایی اسلامی در جمهوری آذربایجان از سوی ایران (متغیر شماره هفده) و ۴) استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای برای تأثیرگذاری اجتماعی - فرهنگی از سوی دو طرف (متغیر شماره بیست).

در رویکردهای ساختاری به مدل‌سازی، پس از کشف مؤلفه‌ها و متغیرهای هر مؤلفه، گام بعدی تأیید روایی مدل و اعتباربخشی آن و همچنین استخراج روابط مؤلفه‌ها و نمودارها به

شکل نقشه است. در روش‌های الگوسازی مانند الگوسازی معادله ساختاری^۱، برای کشف مؤلفه‌ها و متغیرها از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده می‌شود، اما در گام بعدی برای تأیید روایی و سازگاری مدل با محیط از تحلیل عاملی اثباتی^۲، به کمک نرم‌افزار اسپاس و نرم‌افزار تکمیلی آموس^۳ استفاده می‌شود؛ اما از آنجا که تحلیل عاملی اثباتی نیاز به تعداد زیادی شرکت‌کننده در مرحله تحلیل آماری دارد (Pallant, 2020:297)، در مطالعه حاضر به دلیل محدودیت‌های زمان و هزینه از روش مدل‌سازی ماتریس ضریب‌های اثر متقاطع و نرم‌افزار میک مک که نیاز به تعداد نخبگان بسیار کمتری دارد، استفاده شد. اضافه بر آن، به دلیل خروجی کیفی تر و عینی تر نرم‌افزار میک مک (در مقایسه با خروجی کمی و آماری آموس)، امکان اکتشاف نوع متغیرهای مؤثر در سیستم و سناریونویسی و پیش‌بینی در تحلیل امکان‌پذیر خواهد بود. بر همین اساس، برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش که معطوف به کشف ماهیت و رفتار متغیرها در نظام روابط دو کشور است، متغیرهای اعتباربخشی شده مکشوف مرحله تحلیل عاملی، توسط چهار نخبه بررسی و ارزش‌گذاری شد و سپس در نرم‌افزار تحلیل شد و خروجی‌های لازم استخراج شد. باید گفت یکی از نوآوری‌ها و مزیت‌های پژوهش حاضر، ورود متغیرهای اعتباربخشی شده از راه تحلیل عاملی اکتشافی به نرم‌افزار میک مک است که پایایی و روایی مدل استخراج شده و تعمیم نتایج را بهبود می‌بخشد در حالی که در روش‌های رایج استفاده از میک مک، این مرحله انجام نمی‌شود و فقط خروجی تحلیل محتوا یا مصاحبه‌های پژوهشگران، بدون هیچ ارزیابی و اعتباربخشی کمی، در اختیار نخبگان و سپس نرم‌افزار میک مک قرار می‌گیرد. در زیر نتایج حاصل از خروجی نرم‌افزار میک مک را ملاحظه می‌کنید.

جدول ۳: جمع سطرها و ستون‌های ماتریکس تأثیرهای مستقیم براساس نظرهای نخبگانی

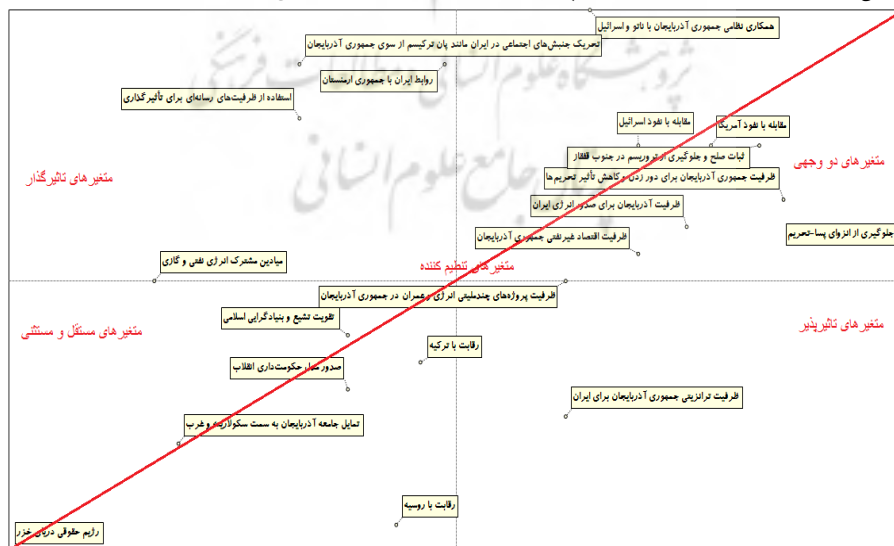
متغیر	جمع کل سطر	جمع کل ستون
۱ ظرفیت حمل و نقل جمهوری آذربایجان برای ایران	۳۳	۴۲
۲ ظرفیت اقتصاد غیرنفتی جمهوری آذربایجان	۳۹	۴۵
۳ ظرفیت آذربایجان برای صدور انرژی ایران	۴۰	۴۷
۴ ظرفیت طرح‌های چندملیتی انرژی و عمران در جمهوری آذربایجان	۳۸	۴۲
۵ ظرفیت جمهوری آذربایجان برای دوزدن و کاهش تأثیر	۴۱	۵۱

1 Structural Equation Modeling
 2 Confirmatory Factor Analysis
 3 AMOS

تحریم‌ها			
۶	مقابله با نفوذ آمریکا	۴۳	۴۸
۷	مقابله با نفوذ اسرائیل	۴۳	۴۵
۸	ثبات صلح و جلوگیری از تروریسم در جنوب قفقاز	۴۳	۵۰
۹	همکاری نظامی جمهوری آذربایجان با ناتو و اسرائیل	۴۸	۴۳
۱۰	رقابت با ترکیه	۳۵	۳۶
۱۱	رقابت با روسیه	۲۹	۳۵
۱۲	صدور مدل حکومت‌داری انقلاب	۳۴	۳۳
۱۳	جلوگیری از انزوای پساتحریم	۳۹	۵۶
۱۴	رژیم حقوقی دریای خزر	۲۸	۱۹
۱۵	میدان‌های مشترک انرژی نفتی و گازی	۳۸	۲۵
۱۶	روابط ایران با جمهوری ارمنستان	۴۶	۳۷
۱۷	تحریک جنبش‌های اجتماعی در ایران مانند پان‌ترکیسم	۴۶	۳۱
۱۸	تمایل جامعه آذربایجان به سمت عرفی‌گرایی و غرب	۳۲	۲۵
۱۹	تقویت تشیع و بنیادگرایی اسلامی	۳۶	۳۳
۲۰	استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای برای تأثیرگذاری	۴۴	۳۱
مجموع		۷۷۵	۷۷۵

Source: (Authors)

شکل ۱: نگاهت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها در روابط خارجی ایران و جمهوری آذربایجان



Source: (Authors)

همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، متغیرهای ساخت روابط خارجی ایران و جمهوری آذربایجان در بخش‌های مختلف نمودار و در اطراف خط قطری قرمز پراکنده شده‌اند. این نشان‌دهنده آن است که نظام روابط بین دو کشور بسیار ناپایدار است و در تأثیر یک یا دو متغیر چینش و شکل آن‌ها تفاوت و در نتیجه میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها بازتعریف می‌شود. این در حالی است که پراکندگی متغیرها در نظام‌های پایدار به شکل حرف L است به‌گونه‌ای که سیستم کمترین متغیرهای دوجویی را دارد یا ندارد و تمرکز متغیرها در سمت چپ و پایین مبدأ نمودار خواهد بود. بر اساس نتایج به‌دست آمده در تصویر بالا، دسته‌بندی متغیرها در ساخت روابط دو کشور به شرح زیر است:

الف: متغیرهای تأثیرگذار:^۱ این دسته از متغیرها در شمال غربی نگاشت قرار می‌گیرند و متغیرهای ورودی در سیستم هستند به‌گونه‌ای که با کم‌وزیاد کردن آن‌ها، می‌توان شکل نظام روابط را تغییر داد. این متغیرها دودسته اصلی دارند: ۱. **متغیرهای حیاتی**،^۲ که مهم‌ترین متغیرهای ورودی در سیستم هستند و بیشترین تأثیرگذاری را در سیستم دارند. این متغیرها در سمت بالای خط قطری و در ناحیه دوم نمودار (شمال غربی) بر این اساس، رابطه ایران با جمهوری ارمنستان و تحریم جنبش‌هایی اجتماعی مانند پان‌ترکیسم در ایران توسط جمهوری آذربایجان از حیاتی‌ترین و بحرانی‌ترین متغیرهای سیستم هستند. ۲. **متغیرهای محیطی**:^۳ این متغیرها نیز در شمول متغیرهای تأثیرگذار قرار می‌گیرند، اما با وجود تأثیرگذاری خود بر سیستم، قابل دست‌کاری نیستند و بیشتر توسط شرایط محیطی تعیین می‌شوند که از آن جمله می‌توان به میدان‌های مشترک انرژی دو کشور اشاره کرد.

ب) متغیرهای دوجویی:^۴ این متغیرها در عین حال تأثیرگذار و تأثیر و تأثیرپذیر هستند و نوع کنش آن‌ها در سیستم روابط دو کشور بسیار ناپایدار است و در تأثیر عوامل گوناگون، تغییر می‌کند. این متغیرها در شمال شرقی نمودار قرار می‌گیرند و براساس برش خط قطری، به دودسته متغیر خطر^۵ و متغیر هدف^۶، تقسیم‌بندی می‌شوند. ۱) **متغیرهای خطر**: این متغیرها در بخش نزدیک به خط قطری قرار می‌گیرند. این متغیرها به دلیل ماهیت ناپایدار خود، ظرفیت زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران اصلی نظام را دارند. در سیستم کنونی روابط دو کشور، مقابله ایران با نفوذ اسرائیل، مقابله ایران با نفوذ آمریکا و تلاش برای صلح منطقه‌ای و جلوگیری از گسترش تروریسم، متغیرهای خطر در روابط دو کشور است. ۲) **متغیرهای هدف**:

1 Influencing Variables
2 Critical Variables
3 Environmental Variables
4 Bi-dimensional Variables
5 Risk
6 Target

این متغیرها با فاصله بیشتر و در زیرخط قرمز قطری ناحیه شمال غربی نمودار قرار دارند. این متغیرها بیش از تأثیرگذاری، تأثیرپذیر هستند و بیشتر نتیجه تعامل سیستم هستند و از قبل پیش‌بینی شده نیستند. به این متغیرها، متغیرهای تکاملی نیز گفته می‌شود، زیرا تغییر آن‌ها در جهت مطلوب، موجب تکامل سیستم می‌شود. این متغیرها در ساخت روابط ایران و جمهوری آذربایجان، ظرفیت جمهوری آذربایجان برای دور زدن تحریم‌های ایران، ظرفیت این کشور برای صدور انرژی ایران، ظرفیت جمهوری آذربایجان برای تقویت اقتصاد غیرنفتی ایران و ظرفیت این کشور برای خروج از انزوای پسا-تحریم، متغیرهای هدف سیستم بالا هستند.

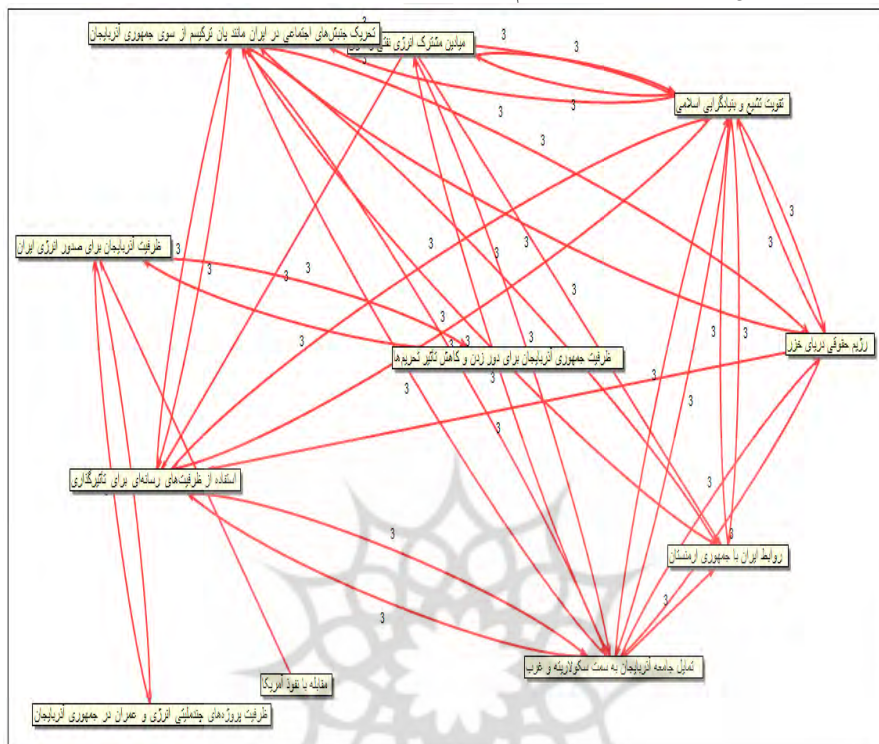
ج: متغیرهای وابسته^۱: این متغیرها که در بخش جنوب شرقی نمودار قرار می‌گیرند، تأثیرگذاری پایینی در سیستم دارند. این متغیرها نسبت به تغییر در متغیرهای گروه‌های الف و ب (بیان‌شده در بالا) بسیار حساس هستند و نسبت به تغییر آن‌ها، تغییر می‌کنند. به این متغیرها، متغیرهای خروجی سیستم نیز می‌گویند. در این سیستم، ظرفیت ترانزیتی جمهوری آذربایجان برای ایران و ظرفیت پروژه‌های عمرانی-انرژی چندملیتی، از این دسته از متغیرها در روابط دو کشور هستند که نتیجه کنش متغیرهای الف و ب هستند.

د: متغیرهای مستقل^۲: این متغیرها که در بخش جنوب غربی نمودار هستند، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کمی در سیستم دارند. این متغیرها نیز به دودسته کلی تقسیم می‌شوند: (۱) **متغیرهای جدا:** این متغیرها، ارتباط کمی با سیستم دارند و بیشتر در تأثیر و تأثیر عواملی خارج از سیستم کنونی قرار می‌گیرند. برای نمونه در سیستم کنونی، رژیم حقوقی دریای خزر، تمایل جامعه آذربایجان به سمت عرفی‌گرایی و غرب و تقویت بنیادگرایی اسلامی و تشیع در جمهوری آذربایجان در دسته متغیرهای جدا قرار می‌گیرند که ارتباط کمی با سیستم کنونی دارند و بیشتر در تأثیر و یا تأثیر عواملی خارج از روابط دو کشور هستند. (۲) **متغیرهای اهرمی دومین** که زیر خط قطری در این ناحیه قرار دارند، ضمن کنش ضعیف در سیستم، تأثیرگذاری نسبی دارند و تأثیرگذاری آن‌ها بیشتر از تأثیرپذیری آن‌ها است. به بیان دیگر می‌توان این متغیرها را به شکل متغیر ورودی دومین در نظر گرفت و با تغییر آن‌ها تا حدودی بر سیستم تأثیر نسبی گذاشت. در سیستم کنونی، رقابت با روسیه، رقابت با ترکیه و صدور مدل حکومت‌داری انقلابی از متغیرهای اهرمی دومین هستند. به‌طورکلی متغیرها در هر چهار ناحیه، هرچه به خط قطری قرمز نزدیک‌تر باشند راهبردی‌تر هستند و هرچه به‌سوی مبدأ نمودار نزدیک‌تر باشند، نقش تنظیم‌گری قوی‌تری در محیط بر جای می‌گذارند.

1 Dependent Variables

2 Independent Variables

شکل ۳: نمودار تأثیرهای مستقیم بالقوه متغیرها بر یکدیگر در روابط دو کشور



Source: (Authors)

نتیجه

اگر بخواهیم نتایج پژوهش‌های حاضر را در بافت چارچوب نظری پژوهش بررسی کنیم می‌توان گفت که تغییر نظام‌های بین‌المللی پس از جنگ سرد سبب شد نظریه‌پردازان و کنشگران عرصه راهبرد سازی و سیاست خارجی، ماهیت امنیت را دوباره بازبینی کنند تا به مفهوم واقع‌گرایانه به امنیت دست یابند، زیرا دستیابی به چنین ادراکی از امنیت، کنشگری کشورها و دولت‌ها در سطوح مختلف روابطی را تبیین و تنظیم می‌کند (Rolfe, 2008: 101). بیشتر نظریه‌پردازان بر این نکته تأکید دارند که در مفاهیم جدید امنیت، ساخت روابط بین کشورها در قالب نظام و زیر نظام‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی است و این سطوح باهم وابستگی و تعامل دارند. بر همین اساس، بدون تعیین میزان این وابستگی‌ها و تأثیر متقابل، امکان زیست امن کشورها وجود ندارد. میزان هم‌بخشی و کنش امنیتی در کشورهایی که نزدیکی جغرافیایی دارند، اهمیت بسیاری دارد و پویایی‌های جداگانه‌ای دارد که شناخت آن‌ها تنها با نگاه منطقه‌ای امکان‌پذیر است. به این دلیل که ساخت امنیت منطقه‌ای، منحصر به فرد و

متغیرهای بومی و بافتی دارد درحالی که شناخت این متغیرها با به کارگیری نگاه جهانی و گسترده امکان پذیر نیست (Buzan and others, 1998:26).

نتایج این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و محیطی، تأثیر کمتری در روابط خارجی ایران و جمهوری آذربایجان دارند. از این نظر نتایج پژوهش حاضر با چابکی نزدیکی دارد که نشان داد تأثیر تبلیغاتی و تحریک‌های غرب ناشی از ترس از صدور مدل انقلاب و اسلام سیاسی، جمهوری آذربایجان را به کنش‌گرایی در مقابل ایران وادار کرد و این کشور را به سوی ائتلاف راهبردی با آمریکا، اسرائیل و ترکیه پیش برد. همچنین این تأثیرها سبب شد به جای پذیرش اسلام سیاسی، به سوی مدل غیردینی ترکیه و غرب تمایل پیدا کند. یافته‌های این پژوهش تأییدی بر نتایج به دست آمده‌ی افضل‌ی و دیگران است که متغیرهای اساسی در حوزه روابط دو کشور را خارج از محیط نزدیکی فرهنگی و دینی و بر مبنای امنیت و متغیرهای راهبردی توصیف کرده است.

این نوشتار تلاشی سازمان یافته و علمی برای دست یافتن به مدل معتبر در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بر پایه رویکردهای کمی و کیفی پژوهش بوده است. نتایج بعد کیفی پژوهش و اعتباربخشی آن‌ها به وسیله تحلیل عاملی اکتشافی نشان دهنده ۲۰ متغیر تأثیرگذار در پنج بعد اساسی اقتصادی، سیاسی حقوقی، هژمونی، اجتماعی و فرهنگی و بقا است. اعتباربخشی این سازه کشف شده نشان داد که روابط قوی بین متغیرهای هر کدام از این مؤلفه‌ها وجود دارد که هر یک ضریب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری خاصی دارند و می‌توان از آن‌ها برای تفسیر روابط کنونی دو کشور و پیش‌بینی روابط آینده دو کشور استفاده کرد. نتایج این نوشتار برای روش‌شناسی پژوهش‌های علوم سیاسی، تحلیل روابط بین‌الملل و سناریونویسی کاربرد دارد.

Reference

- Afzali, R, Seyyed Mohammad Seyyedi-Asl and Abolghasem, Mahmudi (2014), "Explanation of Relationships of Iran and Azerbaijan Republic with Constructivism Approach", **Central Eurasia Studies**, Vol. 7, No. 2, pp. 237-264. doi: 10.22059/jcep.2014.52977 [in Persian]
- Balla, E (2013), "**Turkish and Iranian Interests and Policies in the South Caucasus**", Norwegian peace building resource center. doi.org/10.4324/9781315143262
- Buzan, B (1993), "From International System to International Society: Structural Realism and Regime Theory Meet the English School", **International Organization**, Vol. 47, No. 3, pp. 327-352. <http://www.jstor.org/stable/2706979>.

- Buzan, B, Morten K, Pierre, Elzbieta T. and Ole, W (1990), "**The European Security Order Recast: Scenarios for the Post-Cold War Era**", London: Pinter Publishers.
- Buzan, B, Waever, O and Wilde, J (1998), "**Security: A New Framework for Analysis**", Lynne Rienner Publishers, Inc.
- Buzan, B and Waever, O (2003), "**Regions and Power: The Structure of International Security**", New York, Cambridge University Press.
- Chaboki, O (2010), "Challenges of Iran-Azerbaijan Relations". **Central Eurasia Studies**, Vol. 3, No. 2, pp. 63-84.
https://jcep.ut.ac.ir/article_20463.html [in Persian]
- Chufrin, G. (2001), "**The Security of the Caspian Sea Region**", London, Oxford University Press.
- Coppieters, B (1996), "**Contested Borders in the Caucasus**", Brussels, Vub Press.
- Cornell, S; Star, S and Tsereteli, M (2015), "**A Western Strategy for the South Caucasus**", Johns Hopkins University, Institute for Security and Development Policy.
- Creswell, J.W, (2014), "**Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches**", Thousand Oaks, Sage publications.
- Davoodi, T (2016), "Friendly Relations between Iran and Azerbaijan: A Review", **Mediterranean Journal of Social Sciences**. Vol. 7, No. 5, pp. 259-262. DOI:10.5901/mjss.2016.v7n5p259.
- Emin, M and Fatih, M (2019), "Iranian Relations with Azerbaijan and Armenia: A Comparative Approach in the Case of Pragmatist Politics", **Erzincan University Journal of Social Sciences Institute**, Vol, 19, No. 1, pp. 157-176. <https://dx.doi.org/10.11616/basbed.vi.487167>
- Erdag, R. (2017), "**Regional Security Complex Theory and the Middle East and North Africa**", Palgrave, McMillan.
- Gafarli, T (2020), "**Iran's Shifting Position on Nagorno-Karabakh**". TRT World research center. <https://www.researchcentre.trtworld.com/info-packs/irans-shifting-position-on-nagorno-karabakh/>
- Gonabad, R. A. Fayaz, E. and Naderi, A. (2017), "Take a Look at the Barriers to Exporting the Islamic Revolution in the Middle East", **International Journal of Scientific Study**, Vol. 5, No. 4, pp. 838-848. DOI: 10.17354/ijssI/2017/114.
- Ismayilov, E. (2014), "Power, Knowledge, and Pipelines: Understanding the Politics of Azerbaijan's Foreign Policy", **Caucasus Survey**, Vol. 2, No. 2, pp. 79-129. DOI:10.1080/23761199.2014.11417304.
- Kouhi Esfahani, M (2019), "**Iran's Foreign Policy in the South Caucasus: Relations with Azerbaijan and Armenia**", Durham, Routledge.

- Maloney, S. (2002), "Identity and Change in Iran's Foreign Policy". In S. Telhami, & M. Barnett (Eds), "**Identity and Foreign Policy in the Middle East**" (pp. 88-116). London: Cornell University Press.
- Nichol, J (2010), "**Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Security Issues and Implications for U. S. Interests**", Congressional Research Service. www.everycrsreport.com/reports/RL30679.html.
- Pallant, J (2020), "**SPSS Survival Manual: A Step by Step Guide to Data Analysis Using IBM SPSS**", London, McGraw Hill.
- Paunic, N. (2016), "The Rising Shi'a Crescent: Iranian Smart Power and Implications for the Middle East, Central Asia, and the Persian Gulf". **Carleton Review of International Affairs**, Vol. 3, No. 1, pp. 70-92. DOI: <https://doi.org/10.22215/cria.v3i0.120>.
- Peimani, H (2000), "Regional Security and the Future of Central Asia: The Competition of Iran, Turkey and Russia", **International Journal on World Peace**, Vol. 17, No. 2, pp. 88-91. <https://www.doi.org/10.4000/abstractairanica.37287>.
- Rocca, N. M (2017), "Regional Stability for National Survival: Iran's Foreign Policy towards the Southern Caucasus and Central Asia in the Post-Soviet Era", **International Relations and Diplomacy**. Vol. 5, No. 9, pp. 544-553. DOI:10.17265/2328-2134/2017.09.003.
- Rolfe, J (2008), "Regional Security for the Asia-Pacific: Ends and Means", **Contemporary Southeast Asia**, Vol. 30, No. 1, pp. 101-112. <https://www.jstor.org/stable/41220493>.
- Souleimanov, E, et al (2014), "Focused on Iran ? Exploring the Rationale Behind the Strategic Relationship between Azerbaijan and Israel", **Southeast European and Black Sea Studies**. Vol. 13, No. 25, pp. 37-41. doi.org/10.1080/14683857.2014.967945.
- Tabachnick, B. and Fidell, L. (2013), "**Using Multivariate Statistics**", Boston, MA: Pearson Education Inc.
- Valiyev. A.M (2012), "Azerbaijan-Iran Relations: Quo Vadis, Baku", **PONARS Eurasia Policy**, Vol. 244, No. 1, pp. 1-6. https://www.ponarseurasia.org/wp-content/uploads/attachments/pepm_244_Valiyev_Sept2012-4.pdf.